



آموزش‌های ترویجی در توانمندی اجتماعی و پایداری معیشت زنان فقیر روستایی

حشمت‌اله سعدی^۱، سارا جلیلیان^۲

^۱دانشیار ترویج و آموزش کشاورزی/دانشگاه بوعلی سینا همدان، ^۲دانشجوی کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی/دانشگاه

بوعلی سینا همدان

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی وضعیت توانمندی اجتماعی و پایداری معیشت زنان فقیر روستایی و نقش عوامل مختلف به ویژه نقش آموزش‌های ترویجی بر آن در شهرستان اسلام آباد غرب انجام گرفته است، از نظر هدف کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها غیرآزمایشی است. روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش پیمایشی، توصیفی است. جامعه آماری تحقیق شامل ۱۶۱ نفر از زنان فقیر روستایی می‌باشد. ابزار مورد استفاده برای جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه بود که روایی صوری آن به وسیله اساتید و متخصصین تأیید گردید و جهت تعیین پایایی پرسشنامه تعداد ۳۰ پرسشنامه توسط زنان روستایی تکمیل شده و مورد مطالعه قرار گرفت، ضریب آلفای کرونباخ برای بخش‌های مذکور محاسبه شد و در نهایت مقدار $\alpha = 0/92$ نشان داد که وسیله تحقیق از قابلیت بالایی برای جمع‌آوری اطلاعات برخوردار است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است میانگین توانمندی اجتماعی ۷۳/۳ درصد از زنان روستایی مورد مطالعه در حد بالایی است. همچنین، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که سازه‌های مختلف ترویجی بر توانمندی اجتماعی و پایداری معیشت زنان فقیر تاثیرگذار است، که در این بین نظام‌های ترویجی هم به عنوان تسهیل‌کننده در این فرایند سهم بالا و معنی‌داری ایفاء می‌کند. نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که متغیرهای ملاقات و ارتباط با مروجان و کارشناسان، شرکت در کلاس‌های آموزشی و ترویجی، کارگاه‌های آموزشی، راهنمایی گرفتن از زنان آموزش دیده و دفعات بازدید از کارگاه‌های موفق در زمینه‌ی کسب و کار از مهم‌ترین عوامل و سازه‌های موثر بر توانمندی اجتماعی زنان مورد مطالعه هستند که در مجموع ۰/۹۷ درصد از تغییرات متغیر توانمندی اجتماعی را تبیین می‌کنند. با توجه به نتایج این پژوهش، تقویت سازه‌های ترویجی که بر توانمندی اجتماعی زنان روستایی موثر هستند، به ویژه سازه‌های ملاقات و برقراری ارتباط با کارشناسان و شرکت در کلاس‌های آموزشی توسط سازمان‌ها و مسئولان به منظور افزایش توانمندی و بهبود وضعیت زندگی آنها، ضروری است.

واژه‌های کلیدی: آموزش‌های ترویجی، توانمندی اجتماعی، زنان فقیر روستایی، معیشت پایدار، شهرستان اسلام آبادغرب.



مقدمه

زنان به واسطه ارتباط مستقیم با گروه‌های سنی جوانان، نوجوانان، کودکان و نیز تاثیر بر دیگر نیمه جمعیت یعنی مردان، از مهمترین و موثرترین گروه‌های اجتماعی به شمار می‌روند (سلطانی، ۱۳۷۸). آنان دانش حیاتی زندگی خود را به نسل بعد از خود می‌آموزند تا از این طریق ضامن بقای ارزش‌ها، هنجارها و نهایتاً حیات جامعه‌ی خویش باشند (عمادی، ۱۳۷۷). با این وجود، از همه امکانات جهت بالابردن کمی و کیفی شرایط و بهبود اوضاع خود محروم هستند و با وجود نقش آشکار زنان روستایی در تولید و فرآوری و نگهداری محصولات کشاورزی این بخش از جمعیت روستایی از خدمات آموزش و کسب مهارت‌های متناسب با فعالیت‌های خود بی‌بهره مانده‌اند (طالبی، ۱۳۸۷). به گونه‌ای که در کشورهای در حال توسعه، زنان روستایی حدود ۶۵-۷۰ درصد از نیروی کار در بخش کشاورزی را تشکیل می‌دهند (بانک جهانی، ۲۰۰۹). آن‌ها روزانه نقش مهمی در کشاورزی و وظایفی مانند تولید و فعالیت‌های درآمدزا بازی می‌کنند. اغلب آن‌ها بی‌سواد و یا کم سواد بوده و قادر به شرکت در دوره‌های آموزش رسمی، خدمات اجتماعی و یا اقتصادی نیستند. در واقع، ارزش کمتری به نقش آن‌ها داده می‌شود، و کمتر احتمال دارد ظرفیت‌شان را برای بهتر ساختن زندگی خود، خانواده و جوامع تحقق بخشند (آکینسمی، ۲۰۰۵).

زنان و از جمله زنان روستایی نقش بسیار مهم و تعیین کننده‌ای در روند توسعه داشته‌اند. با این حال، این زنان خصوصاً در جوامع سنتی و جهان در حال توسعه، آسیب‌پذیری خاص خود را دارند. در کشور ایران، نرخ فقر در نواحی روستایی بیشتر از نواحی شهری است و شدت فقر و نابرابری در میان روستاییان بیشتر از ساکنین شهری است (محمودی، ۱۳۸۶: ۱۲۹). در این راستا مساله فقر به طور کلی و فقر زنان به طور خاص از جمله مسائل مهم اجتماعی است که همواره نظر اندیشمندان اجتماعی را به خود جلب کرده است. نگرانی در مورد فقر زنان در سال‌های اخیر یکی از موضوعات اساسی و حساسیت برانگیز بوده است و در بیانیه اجلاس توسعه هزاره بر ریشه‌کنی فقر زنان از طریق برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان تاکید شده است (طالب و همکاران، ۱۳۹۰). در چهارمین کنفرانس جهانی زنان در سال ۱۹۹۷ در شهر پکن، توانمندسازی به معنای قدرت بخشیدن به زنان در جهت تعیین کنش‌های زنان در زندگی، اقتدار در تصمیم‌گیری و دسترسی به منابع تعریف شده است. توانمندسازی زنان، که یکی از اهداف سیاست‌گذاری توسعه است، یکی از پیش شرط‌های دستیابی به توسعه‌ی پایدار نیز عنوان می‌شود (شریف‌زاده و جیب‌پور، ۲۰۰۴). در واقع توانمندسازی فرآیندی است که طی آن زنان از نیازها و خواسته‌های درونی خود آگاه می‌شوند، جرأت دستیابی به هدف را در خود تقویت می‌کنند و از توانایی لازم برای عملی ساختن خواسته‌های خود برخوردار می‌شوند (کتابی و دیگران، ۱۳۸۲). به عبارتی توانمندسازی از جایی آغاز می‌شود که بی‌قدرت‌ترین افراد (افراد فقیر و حاشیه‌ای مثل زنان) جای دارند و باعث می‌شود که مردم از بیرون فرایند توسعه به درون آن آورده شوند (چستون و کوم، ۲۰۰۲).

از آنجایی که دستیابی به توسعه پایدار بدون مشارکت فعال زنان در تمامی عرصه‌ها اعم از عرصه‌های خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی امکان پذیر نیست. بررسی تجارب جهانی نشان می‌دهد که به منظور موفقیت در برنامه‌های کشاورزی و توسعه پایدار، باید راه‌های مشارکت زنان، مطالعه و توانمندسازی آن‌ها برای شرکت در فرآیند توسعه از مرحله تصمیم‌سازی آغاز شود (زرافشانی و همکاران، ۱۳۸۸). برای حرکت در چارچوب توسعه بویژه در خصوص منابع انسانی توانمند ابتدا باید از تغییرات فکری و نگرشی فرد آغاز کرد (ریاحی، ۲۰۰۶). که در این راستا ترویج وسیله‌ای مهم و غیرقابل چشم‌پوشی برای ایجاد تغییرات داوطلبانه در افراد است (رولینگ و انگل، ۱۹۹۹). با توجه به اینکه زنان روستایی عامل موثر تولید در نظام اقتصادی جامعه، تولیدکنندگان و تبدیل‌کنندگان محصولات کشاورزی در نظام اقتصادی بوده و همچنین مدیران داخلی خانواده‌های خود می‌باشند؛ بنابراین، ایجاد فرصت‌های لازم برای آموزش زنان روستایی در جهت افزایش سطح دانش و معلومات علمی و فنی آنان، از جمله اقدام‌های بنیانی در فرآیند توسعه‌ی روستایی است (پاپ‌زن و همکاران، ۱۳۹۰). همچنین، آموزش زنان دارای اثر بخشی اجتماعی، اقتصادی و شخصی می‌باشد که از آن جمله می‌توان به سلامت شخصی و خانوادگی، توانمندسازی زنان، آمادگی برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی و اشتغال اشاره نمود (پاپ زن و همکاران، ۱۳۹۰).

بومال و سامبرز (۲۰۰۵) معتقدند که در جوامع روستایی، نقش زنان روستایی در تحقق اهداف توسعه روستایی، نقشی انکارناپذیر



است. بنابراین، برای کشوری مانند ایران که درصدد بهبود وضعیت روستایی است؛ حمایت از این قشر و توانمندسازی آنان لازم است؛ به طوری که شناخت نقش این قشر و توجه به بهبود وضع آن‌ها در کشاورزی و به ویژه زندگی آن‌ها حائز اهمیت فراوانی است. ایجاد نقش کارآمد در جریان توانمندسازی گروه‌های مخاطب از جمله فقرا و به خصوص زنان از یک سو و لزوم انعطاف-پذیری برای ساماندهی خدمات با توجه به نیازهای مخاطبان از سوی دیگر، ایجاب می‌کند که سازمان‌های ترویجی به ارائه خدمات سازگار با شرایط فقرا و گروه‌های محروم جامعه روستایی و فقرزدایی، بسان یک رسالت بپردازند و این رسالت را همواره مورد توجه قرار دهند (چرمزاده و همکاران، ۱۳۸۸). بنابراین، آموزش از نیازهای اساسی زنان و یکی از اجزای بحرانی توانمندسازی قلمداد می‌شود (لفوتو، ۱۹۹۵) و نقش مهمی در افزایش دانش و مهارت آنان دارد؛ به طوری که آموزش و ظرفیت-سازی از ابزارهای زیربنایی فرآیند توانمندسازی هستند. به وسیله‌ی آن، فقرا و زیان‌دیدگان با مفهوم افزایش بهره‌وری و توان کسب درآمد آشنا می‌شوند.

محققان بر این باورند که امروزه زمینه‌های متنوع زندگی روستایی، ضرورت اقدامات معطوف به آموزش مبتنی بر آگاه‌سازی روستاییان در زمینه‌های متعدد را بیش از پیش نمایان می‌سازد. مهم‌ترین ابزاری که می‌تواند در راستای آگاه‌سازی روستاییان گام بردارد، ترویج است، که از طریق آموزش‌های غیررسمی اطلاعات مفیدی در زمینه‌های مورد نیاز روستاییان در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد (طالب و عبری، ۱۳۸۷)؛ بدیهی است که زنان نیز مانند مردان از مخاطبان اصلی برنامه‌های ترویجی محسوب خواهند شد. بنابراین آموزش‌های ترویجی باید فراهم‌کننده فرصت‌هایی برای زنان و دختران روستایی باشد تا همپای مردان از امکانات آموزشی بهره‌مند شوند، به اعتبارات مورد نیاز دست یابند، با مشاغل جدید آشنا شوند و در نهایت جایگاه حقوقی خود را بیش از پیش بشناسند. از جمله این فرصت‌ها و راه‌های توانمندسازی زنان، اشتغال در فعالیت اقتصادی است.

نقش اشتغال در پویایی زندگی انسان انکارناپذیر است و می‌توان آن را کانون ارتباطات انسان و اجتماع تلقی کرد. در جهت این پویایی بی‌تردید زنان به عنوان نیمی از جمعیت، تأثیری مستقیم در توسعه جامعه دارند. در جامعه‌ای که مشارکت زنان در زمینه‌ی اشتغال و فعالیت‌های اقتصادی بیشتر باشد رفاه اجتماعی نیز بیشتر خواهد بود زیرا مشارکت زنان در بازار کار موجب افزایش سطح تولید، افزایش درآمد سرانه و در نتیجه، باعث افزایش رفاه اجتماعی برای کل جامعه می‌شود (آگهی و هکاران، ۱۳۸۹).

به گونه‌ای که، تأمین نیازهای اساسی یکی از عوامل اصلی در بهبود کیفیت زندگی و توانمندی جامعه‌ی نیازمند است. واقعیت این است آموزش‌های ترویجی، با اجرای طرح‌های درآمدزا، باعث احساس توانمندسازی در زنان می‌شود. بنابراین، دولت‌ها باید منابع لازم برای توسعه‌ی جوامع فقیر را تأمین کنند؛ اما واقعیت این است که توسعه، زمانی تحقق می‌پذیرد که در کنار حمایت‌های دولت مردم نیز مشارکت فعال داشته باشند (میدگلی، ۱۹۹۵)؛ به بیان دیگر، آن‌گونه که برنامه‌ی توسعه‌ی سازمان ملل متحد می‌گوید، توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی زمانی تحقق می‌پذیرد که بین دولت، بخش خصوصی، سازمان‌های غیردولتی و مردم ارتباط تنگاتنگ برقرار شود (UNDP, ۱۹۹۴). در این دهه، تأمین حداقل خدمات اجتماعی برای فقیرترین مردم، به گونه‌ای که بتوانند به صورت پایدار زندگی کنند، هدف سازمان‌های بین‌المللی چون UNDP/ UNESCO/ WHO/ UNFPA در برنامه‌های توسعه قرار گرفت. در این دوره، تحقق زندگی پایدار با کاهش فقر ممکن می‌شد.

نتایج مطالعات مختلف حکایت از نقش برجسته ترویج و آموزش کشاورزی در توانمندی روستاییان و به ویژه زنان دارد؛ در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

فلمنگ (۲۰۰۰) در پژوهشی نتیجه گرفت که آموزش رکن اساسی در فرایند توانمندسازی می‌باشد. ریورا و کوینگ (۱۹۹۰) نیز در پژوهش خود بیان داشتند که ترویج نقش مهمی در تواناسازی زنان ایفا می‌نماید. در این راستا، شادی‌طلب (۱۳۸۱) نیز در مطالعه‌ای دریافت که پارامترهای گوناگونی مانند ترویج فکری نو و آموزش مهارت‌های اقتصادی در توانمندسازی زنان دخیل هستند. نتایج پژوهش کرد و عابسی (۱۳۸۸)، نشان‌دهنده‌ی تأثیر مستقیم متغیرهای تعهد، سازگاری و مشارکت و تأثیر غیرمستقیم متغیرهای ارتباطات، آموزش بر روی توانمندسازی می‌باشد. نتایج مطالعه‌ی علیائی و دهقان‌نیستانکی (۱۳۹۱)، نیز نشان داد که هرچه توانمندی-های زنان بالاتر رود، موجب افزایش قدرت اقتصادی خانواده گردیده و از طرفی نیز قدرت اجتماعی آنان در سطح جامعه و خانواده بیشتر می‌-



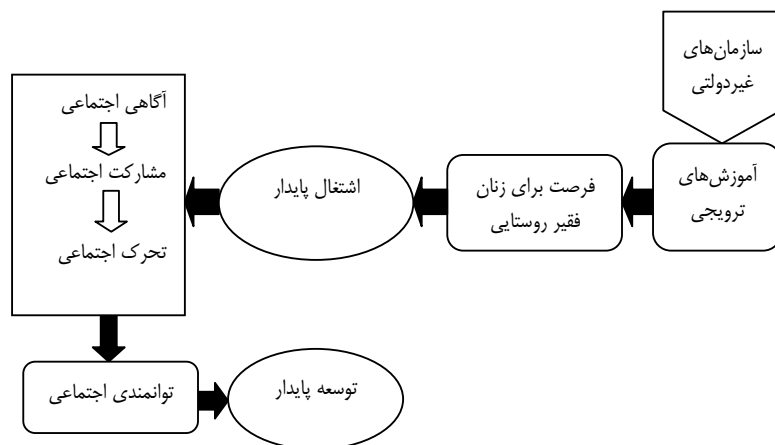
گردد، تحقق این امر مستلزم بالابردن سطح آموزش حرفه‌ای و تحصیلات آنان است که نیاز به مدیریتی باجهت‌گیری مثبت در مورد ارتقاء جایگاه واقعی آنان است.

در تحقیقی چرمچیان لنگرودی (۱۳۹۲) به این نتیجه رسید که ۲۲ درصد واریانس توانمندسازی کشاورزان استان مازندران به وسیله عوامل: منابع وام‌گیری، روش‌های آموزشی و موانع تبیین شد. سطح سواد پایین مهم‌ترین مانع در توانمندسازی کشاورزان استان مازندران بود. هم‌چنین، مناسب‌ترین روش از دیدگاه کشاورزان، شرکت در مدرسه در مزرعه کشاورز تشخیص داده شد. نتایج پژوهش رضایی‌راد و عطار (۱۳۸۹) نیز نشان داد که شرکت در دوره‌های فنی و حرفه‌ای، مهارت و توانایی زنان را افزایش می‌دهد و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای موجب نوآوری و ابداع زنان می‌شود و همچنین این آموزش‌ها موجب افزایش علاقه به کار و نگرش مثبت و موجب کسب درآمد بیشتر در زنان می‌شود.

نتایج مطالعه امین‌بیدختی (۱۳۸۳) نشان داد که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تا حد زیادی می‌توانند در هر یک از بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات برای فراگیران اشتغال ایجاد نمایند و همچنین مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای می‌توانند تا حد زیادی در فراهم آوردن فرصت‌های شغلی و تأمین نیروی انسانی ماهر و متخصص موفق عمل کنند. در پژوهشی کولایی و طاهری (۱۳۸۹) نشان دادند که هرچه زنان توانمندتر می‌شوند، بر میزان مولد بودن، مشارکت سیاسی آن‌ها و همچنین نقش اجتماعی آن‌ها افزوده می‌شود. این خود مستلزم بالابردن سطح آموزش و تحصیلات زنان است. قلی‌پور و رحیمیان (۱۳۸۸) نیز در پژوهشی به این نتایج رسیدند که آموزش و طرح‌های خوداشتغالی موجب بروز احساس توانمندی در زنان سرپرست خانوار می‌شود. هم‌چنین، عوامل اقتصادی، فرهنگی و آموزشی با توانمندسازی زنان سرپرست خانوار رابطه معناداری دارند. به این مفهوم که تقویت یکی بر تقویت دیگر عوامل تأثیر دارد.

شکوری و همکاران (۱۳۸۶)، در تحقیقی نتیجه گرفتند که برای از بین بردن فقر زنان و نابرابری جنسیتی و تحول در پایگاه اقتصادی و اجتماعی آنان تحولات ساختاری ضروری است. مطالعه‌ی عرب مازار و سعدی (۱۳۸۴) نشان داد، اجرای طرح‌های اشتغال‌زای روستایی میزان پس‌انداز کارآفرینان روستایی را که عمدتاً از زنان سرپرست خانوار هستند افزایش داده است. این طرح‌ها ضمن بهبود وضعیت اقتصادی زنان روستایی، خودباوری و اعتماد به نفس را در جامعه هدف ایجاد نموده است. در مطالعه‌ی جاویدنیا و جاویدنیا (۱۳۹۱)، یافته‌ها نشان داد که رابطه معناداری میان نیاز اقتصادی، افزایش استقلال و نگرانی از آینده با گرایش به مهارت‌آموزی در بخش مشاغل خانگی وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد که عامل رفع نیازهای اقتصادی، مهم‌ترین عامل در گرایش زنان به مهارت‌آموزی در بخش مشاغل خانگی است و پس از آن به ترتیب عوامل افزایش استقلال، نگرانی از آینده، غلبه بر تحقیرگرایی، جلوگیری از افسردگی و پرکردن اوقات فراغت قرار دارند.

آبراهام (۲۰۱۱) در پژوهش خود در هند به این نتیجه دست یافت که اجزای اصلی اندازه‌گیری توانمندی اجتماعی کشاورزان، قدرت تصمیم‌گیری و سابقه شغلی است و اعضای مسن‌تر گروه‌های خودیار کشاورزان، بیشتر توانمند هستند. آلسوپ و همکاران (۲۰۰۵)، نیز در پژوهشی نتیجه گرفتند که شاخص‌هایی که بطور مستقیم توانمندی را می‌سنجند شامل توانایی دسترسی به نهاده‌های تولیدی، دسترسی و استفاده از اعتبارات رسمی یا غیررسمی، دسترسی به زیرساخت‌ها، دسترسی به اطلاعات، تأثیر و توانایی کنترل انتخاب‌های مهم زندگی و شرکت در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی است. سروش مهر و همکاران (۱۳۸۹) طی مطالعه‌ای به این نتیجه رسیدند که تحصیلات همسر، اعتماد به نفس، میزان پس‌انداز، مهارت‌های اقتصادی زنان، مشارکت اقتصادی و تحرک اجتماعی اثر مثبت و معنی‌داری در سطوح مختلف، بر احتمال بهبود پایگاه اقتصادی - اجتماعی زنان روستایی داشته‌اند.



شکل (۱): مدل مفهومی تحقیق

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر ماهیت کمی، از نظر میزان و کنترل متغیرها از نوع غیرآزمایشی، به لحاظ هدف در زمره پژوهش‌های کاربردی، و به لحاظ گردآوری داده‌ها پیمایشی است؛ که با هدف بررسی نقش آموزش‌های ترویجی در توانمندی اجتماعی و معیشت پایدار زنان روستایی شهرستان اسلام آباد غرب بر آن انجام گرفته است. در شهرستان اسلام آباد غرب، در مجموع ۷۵۴۴۸ نفر زن وجود دارد که تعداد ۳۳۷۱۲ نفر آن‌ها در روستاها زندگی می‌کنند. از مجموع این افراد، ۱۶۱ نفر از زنان فقیر با استفاده از فرمول کوکران انتخاب شده‌اند. روش نمونه‌گیری به صورت انتساب متناسب طبقه‌ای و در مرحله‌ی بعد به صورت تصادفی بوده است. در این پژوهش برای تدوین چارچوب نظری از کتاب، مقاله، نشریه، مجله و اینترنت استفاده شده است، و برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزار پرسش‌نامه استفاده شده است. روایی صوری پرسشنامه به وسیله اساتید و متخصصین تأیید گردید ابزار اندازه‌گیری تحقیق در کنار روایی باید دارای پایایی لازم نیز باشد و جهت تعیین پایایی پرسشنامه تعداد ۳۰ پرسشنامه توسط زنان روستایی تکمیل شده و مورد مطالعه قرار گرفت، ضریب آلفای کرونباخ برای بخش‌های مذکور محاسبه شد و در نهایت مقدار $\alpha = 0.92$ نشان داد که وسیله تحقیق از قابلیت بالایی برای جمع‌آوری اطلاعات برخوردار است. سوالات پرسشنامه شامل سه بخش است، بخش اول سوالات مربوط به ویژگی‌های فردی، بخش دوم مربوط به سوالات توانمندی اجتماعی بوده که در قالب طیف لیکرت پنج‌تایی می‌باشد و در بخش سوم پرسش‌هایی به منظور تعیین نقش سازه‌های ترویجی در توانمندی اجتماعی طراحی شده است. با توجه به ماهیت پژوهش، در مطالعه‌ی حاضر داده‌ها توصیف و تحلیل شدند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده از نرم افزار SPSS استفاده شد. در بخش توصیف داده‌ها، از آماره‌های توصیفی نظیر فراوانی، درصد، انحراف معیار، میانگین و ضریب تغییرات و در بخش تحلیل داده‌ها از روش فاصله از میانگین، تحلیل رگرسیون استفاده شد.

نتایج

نتایج توصیفی

نتایج بدست آمده نشان داد که سن زنان روستایی بین ۱۷ تا ۷۵ سال متغیر بوده (میانگین 34.528 و انحراف معیار ۹.۳۳). سطح تحصیلات بیشتر آن‌ها دیپلم (۴۱ درصد) و کمتر از ۵ درصد زنان (۲/۵ درصد) بی‌سواد می‌باشد. از مجموع ۱۶۱ نفر ۵۹ نفر مجرد (۳۶/۶ درصد)، ۸۸ نفر متأهل (۵۴/۷ درصد)، ۳ نفر آنان مطلقه (۱/۹) و ۶/۸ درصد با فراوانی ۱۱ نفر بیوه می‌باشند. که در کل، ۵۴/۷ درصد (۸۸ نفر) بیشترین فراوانی مربوط به زنان متأهل و ۱/۹ درصد آنان با فراوانی ۳ نفر، با کمترین فراوانی مربوط به زنان مطلقه می‌باشند. ۴۹ نفر از همسران زنان مورد مطالعه (۳۰/۴ درصد) دارای شغل آزاد، ۲۷ نفر آن‌ها (۱۶/۸ درصد) کشاورز و ۱۲ نفر



(۱۶/۱ درصد) شغل دولتی می‌باشند. از بین زنان مورد مطالعه ۱۶/۸ درصد دارای کسب و کار خانگی در بخش کشاورزی با فراوانی (۲۷ نفر)، ۱۳/۷ درصد در بخش دامی (۲۲ نفر) و ۵۰/۳ درصد در بخش صنعت با فراوانی (۸۱ نفر) می‌باشند به گونه‌ای که زنان روستایی مورد مطالعه دارای کسب و کارهای خانگی در بخش صنعت بیشترین فراوانی و در بخش دامی کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. مدت زمان فعالیت زنان دارای کسب و کار خانگی مورد بررسی، بین ۱ تا ۳۰ سال متغیر بوده است (میانگین آن حدود ۵/۲۷ سال و انحراف معیار : ۵/۰۰۷). که در این رابطه، بیشترین فراوانی مربوط به افرادی است که سابقه فعالیت آن‌ها کمتر از ۵ سال (۶۸/۹ درصد) و کمترین فراوانی مربوط به افراد با سابقه بیش از ۲۱ سال (۳/۱ درصد) هستند.

ارزیابی سطح توانمندی اجتماعی زنان روستایی

شاخص توانمندی اجتماعی زنان روستایی مورد مطالعه با جمع سه مولفه آگاهی اجتماعی، تحرک اجتماعی، ارتباطات و مشارکت اجتماعی مورد مطالعه قرار گرفته است. با توجه به نتایج بدست آمده، مشخص شد که میزان توانمندی اجتماعی ۱/۹ درصد زنان مورد مطالعه پایین، و حدود ۳۴/۸ درصد در حد متوسطی و ۶۳/۳ درصد از سطح بالایی (زیاد و خیلی زیاد) برخوردارند (جدول، ۱). به عبارتی می‌توان گفت وضعیت توانمندی اجتماعی زنان روستایی مورد مطالعه در سطح بالایی است.

جدول ۱- وضعیت توانمندی اجتماعی زنان روستایی مورد مطالعه

وضعیت	درصد تجمعی	درصد	فراوانی	سطح توانمندی اجتماعی
کم	۱/۹	۱/۹	۳	کمتر از ۴/۷۰۱
متوسط	۳۶/۶	۳۴/۸	۵۶	بین ۴/۷۰۱ - ۹/۱۶۰
زیاد	۴۹/۷	۱۳	۲۱	۹/۱۶۰ - ۱۳/۶۱۹
خیلی زیاد	۱۰۰	۵۰/۳	۸۱	بیشتر از ۱۳/۶۱۹
-	-	۱۰۰	۱۶۱	کل
بیشینه: ۲۲/۴۵	کمینه: ۳/۸۱	انحراف معیار: ۴/۴۵۹	میانگین: ۹/۱۶۰	

میزان استفاده از رسانه‌ها و سازه‌های ترویجی

میزان استفاده از سازه‌های ترویجی

با توجه به جدول ۲، نتایج تحقیق حاکی از آن است که میانگین دفعات شرکت در کارگاه‌های آموزشی با ۳/۸۸، تعداد دفعات شرکت در کلاس‌های آموزشی - ترویجی با میانگین ۳/۰۸ و تعداد دفعات بازدید از کارگاه‌های موفق با میانگین ۲/۵۶ به ترتیب بیشترین مقدار استفاده را داشته‌اند.

جدول ۲- توزیع فراوانی جامعه نمونه بر حسب میزان استفاده از سازه‌های ترویجی

سازه‌های ترویجی	واحد	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
دفعات شرکت در کلاس‌های ترویجی	بار	۳/۰۸	۲/۰۱	۱	۸
دفعات شرکت در کارگاه‌های آموزشی	بار	۳/۸۸	۳/۹۷	۱	۲۴
تعداد دفعات بازدید از کارگاه‌های موفق	بار	۲/۵۶	۱/۶۸	۱	۱۲

با توجه به جدول ۳، نتایج تحقیق حاکی از آن است که از میان سازه‌های ترویجی حدود ۱۴/۹ درصد از زنان مورد مطالعه در کلاس‌های آموزشی - ترویجی، حدود ۳۰/۴ درصد نیز در کارگاه‌های آموزشی مختلف و حدود ۷۰/۸ درصد از زنان مورد مطالعه نیز در کارگاه‌های آموزشی مرتبط با کسب و کار شرکت کرده‌اند. حدود ۵۷/۸ درصد افراد مورد مطالعه از کارگاه‌های موفق در زمینه



کسب و کار بازدید داشته‌اند. حدود ۴۹/۱ درصد از زنان مجلات و نشریات مرتبط با کسب و کار را مطالعه کردند، حدود ۶۴/۶ درصد از فیلم آموزشی استفاده کردند و حدود ۸۶/۳ درصد آنان از زنان آموزش دیده راهنمایی می‌گرفتند.

جدول ۳ - میزان استفاده از سازه‌های ترویجی

سازه‌های ترویجی	بله	خیر
شرکت در کلاس‌های ترویجی مرتبط با کسب و کار	۱۴/۹	۸۵/۱
شرکت در کارگاه‌های آموزشی مختلف	۳۰/۴	۶۹/۶
بازدید از کارگاه‌های موفق در زمینه کسب و کار	۵۷/۸	۴۲/۲
مطالعه مجلات و نشریات مرتبط با کسب و کار	۴۹/۱	۵۰/۹
استفاده از فیلم آموزشی	۶۴/۶	۳۵/۴
گرفتن راهنمایی از زنان آموزش دیده	۸۶/۳	۱۳/۷
شرکت در کارگاه‌های آموزشی مرتبط	۷۰/۸	۲۹/۲
ملاقات با مروجان و کارشناسان	۱۹/۳	۸۰/۷

با توجه به جدول ۴، نتایج تحقیق حاکی از آن است که میانگین استفاده از برنامه تلویزیون با ۳، مطالعه مجله و نشریات با میانگین ۱/۰۱، استفاده از اینترنت با میانگین ۰/۶۷ و گوش دادن به برنامه‌های رادیویی با میانگین ۰/۴ به ترتیب بیشترین مقدار استفاده را داشته‌اند.

جدول ۴ - توزیع فراوانی جامعه نمونه بر حسب میزان آگاهی اجتماعی زنان در خانواده

سازه‌های ترویجی	واحد	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
برنامه تلویزیون	ساعت در طول روز	۳	۱/۳۴	۰	۸
برنامه رادیو	ساعت در طول روز	۰/۴	۰/۸۷	۰	۶
استفاده از اینترنت	ساعت در طول روز	۰/۶۷	۰/۲۹	۰	۵
مطالعه مجله و نشریات	ساعت در طول روز	۱/۰۱	۱/۲۷	۰	۸

تحلیل رگرسیون سازه‌های ترویجی موثر بر توانمندی اجتماعی زنان روستایی

به منظور بررسی تاثیر سازه‌های ترویجی بر توانمندی اجتماعی از تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد. با توجه به نتایج به دست آمده تحلیل رگرسیون تا ۵ گام پیش رفته است. در گام اول ملاقات با مروجان و کارشناسان کشاورزی، در گام دوم شرکت در کلاس‌های آموزشی- ترویجی، در گام سوم شرکت در کارگاه‌های آموزشی، در گام چهارم راهنمایی گرفتن از زنان آموزش دیده و در گام پنجم دفعات بازدید از کارگاه‌های موفق وارد معادله شدند و پنج متغیر مذکور در مجموع حدود ۹۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته (توانمندی اجتماعی) را تبیین کردند (جدول ۵).

جدول ۵ - نتایج تحلیل رگرسیون سازه‌های ترویجی در گام اول و دوم و سوم و چهارم و پنجم

گام	متغیرها	B	Beta	t	Sig
۱	ملاقات با مروجان و کارشناسان کشاورزی	۱/۰۴۲	۰/۶۸۱	۲۵/۷۷۷	۰/۰۰۰**
۲	شرکت در کلاس‌های آموزشی- ترویجی	۱/۱۰۰	۰/۴۷۲	۱۷/۹۸۴	۰/۰۰۰**
۳	شرکت در کارگاه‌های آموزشی	۰/۹۹۰	۰/۳۳۸	۱۲/۹۵۶	۰/۰۰۰**



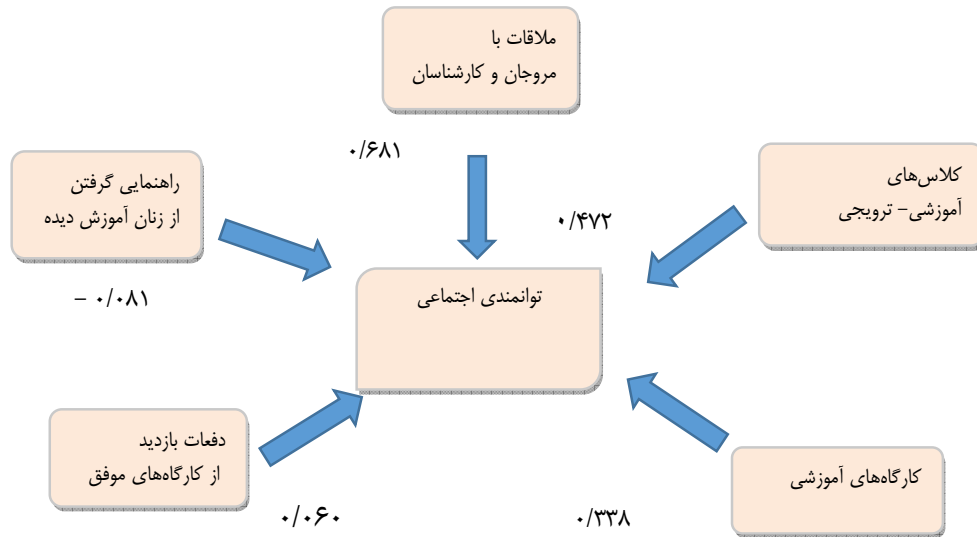
۴	راهنمایی گرفتن از زنان آموزش دیده	- ۰/۳۴۹	- ۰/۰۸۱	- ۳/۱۹۴	۰/۰۰۳**
۵	دفعات بازدید از کارگاه‌های موفق	۰/۱۴۲	۰/۰۶۰	۲/۳۱۴	۰/۰۲۶*
	عدد ثابت	۸/۰۲۳	-	۱۰/۰۵۳	۰/۰۰۰**

**معنی داری در سطح ۱ درصد * معنی داری در سطح ۵درصد

با توجه به ضرایب موجود در جدول (۳) و مقدار ثابت، معادله استاندارد شده خط رگرسیون در گام پنجم به صورت زیر است.

$$Y = 8/0.23 + 1/0.42 (X_1) + 1/1.00 (X_2) + 0/99.0 (X_3) - 0/349 (X_4) + 0/142 (X_5)$$

پیرامون سهم هر یک از متغیرهای مستقل که وارد معادله خط رگرسیون شده‌اند، در تبیین متغیر وابسته می‌توان چنین بیان کرد که با توجه به مقادیر بتا به دست آمده، متغیر ملاقات با مروجان و کارشناسان کشاورزی نسبت به سایر متغیرها بیشترین سهم را در تبیین متغیر وابسته توانمندی اجتماعی داشته است. زیرا به ازاء یک واحد تغییر در انحراف معیار این متغیر، به اندازه ۰/۶۸۱ واحد تغییر در انحراف معیار توانمندی اجتماعی ایجاد می‌شود. شرکت زنان در کلاس‌های آموزشی- ترویجی ($\beta=0/472$)، شرکت در کارگاه‌های آموزشی ($\beta=0/338$)، راهنمایی گرفتن از زنان آموزش دیده ($\beta=-0/081$) و دفعات بازدید از کارگاه‌های موفق ($\beta=0/060$) به ترتیب بیشترین تأثیر را در توانمندی اجتماعی افراد مورد مطالعه داشته‌اند. در این میان متغیرهای ملاقات با مروجان و کارشناسان، شرکت زنان در کلاس‌های آموزشی- ترویجی، شرکت در کارگاه‌های آموزشی و دفعات بازدید از کارگاه‌های موفق رابطه مثبتی با توانمندی اجتماعی داشته و راهنمایی گرفتن از زنان آموزش دیده رابطه منفی با توانمندی اجتماعی دارند.



شکل ۲- عوامل ترویجی موثر بر توانمندی اجتماعی بر حسب مقادیر بتا

بحث

نتایج تحقیق نشان داد؛ سطح توانمندی اجتماعی زنان روستایی ارتباط مستقیمی با ملاقات آن‌ها با مروجان و کارشناسان دارد.



نتایج تحقیق کردو عابسی (۱۳۸۸)، سروش‌مهر و همکاران(۱۳۸۹) نیز بیانگر این مساله است. شرکت در کلاس‌های آموزشی ترویجی نیز یکی از متغیرهای موثر بر توانمندی اجتماعی زنان روستایی است. به بیان دیگر زنانی که در کلاس‌های آموزشی شرکت داشته‌اند، توانایی بیشتری در عرصه‌های اجتماعی کسب نموده‌اند. نتایج محققانی از جمله فلمینگ(۲۰۰۰)، ریورا و کوینگ(۱۹۹۰) و شادی‌طلب(۱۳۸۱) نیز بیانگر این مساله است. براساس نتایج بدست آمده کارگاه‌های آموزشی در زمینه‌ی حرفه و کسب و کار موردنظر از دیگر عوامل موثر بر توانمندی اجتماعی آن‌هاست. به گونه‌ای که روش آموزشی در افزایش توانمندی بسیار موثر است. با توجه به نتایج، می‌توان پیشنهادهای زیر را ارائه داد:

- نتایج نشان‌دهنده‌ی این است که بین خدمات آموزشی دریافت‌شده و توانمندی اجتماعی زنان مورد مطالعه رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بنابراین توصیه می‌شود که سازمان‌های مرتبط با توسعه اجتماعی-اقتصادی زنان روستایی دوره‌های آموزشی متناسب با نیاز آنان (در زمینه‌های فنی و تخصصی، مالی، مدیریت) را برگزار کنند.
- براساس نتایج پژوهش، ترویج کشاورزی می‌تواند به عنوان یک راهبرد مناسب در توسعه اشتغال و کاهش میزان بیکاری مطرح و موثر باشد، به شرط این که مورد حمایت دولت قرار گرفته و مدیریت علمی بر ساماندهی و توسعه اعمال شود.
- به منظور بهبود وضعیت معیشتی خانوارها تدارک برنامه‌های آموزشی و سوادآموزی از یک سو و حمایت از زنان روستایی جهت ایجاد گسترش مشاغل و فعالیت‌های سودآور کشاورزی از قبیل: پرواربندی دام، پرورش قارچ، زنبور داری، کشت گیاهان گلخانه‌ای و ... با استفاده از سرمایه‌های اندک محلی موجود و کمک اعتباری دولت دارای اولویت اساسی است.
- همچنین به منظور کاهش دشواری‌ها و کارهای سخت و طاقت‌فرسای زنان فقیر روستایی و افزایش بهره‌وری کشاورزی بهبود نوع تکنولوژی‌های در دسترس و مورد نیاز با همکاری و همراهی زنان روستایی پیشنهاد شده است.
- در نهایت پیشنهاد می‌شود که راهکارهای مناسبی توسط مسئولین و به خصوص افراد موفق جهت شناسایی مشاغل درآمدزا و پایدار، هدایت و ایجاد انگیزه‌ی فعالیت اقتصادی در زنان روستایی فقیر و آسیب‌پذیر در راستای ایجاد توانمندی آنان صورت گیرد.

منابع مورد استفاده

۱. امین بیدختی، علی‌اکبر (۱۳۸۳). نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در توسعه‌ی خوداشتغالی در استان سمنان. پژوهشنامه ی علوم انسانی و اجتماعی / سال چهارم / شماره ۵ / شانزدهم / سال ۱۳۸۳.
۲. آگهی، حسین، میرک‌زاده، علی‌اصغر و تقی‌بیگی، معصومه (۱۳۹۱) "اولویت بندی عوامل مؤثر بر توسعه مشاغل خانگی زنان روستایی"، فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه، سال سوم، شماره سوم، پاییز، صفحات ۱۸۱-۲۰۱.
۳. پاپ زن، عبدالحمید، خالدی، خوشقدم، سلیمانی، عادل (۱۳۹۰) " ارزشیابی آموزش های فنی حرفه ای زنان روستایی در زمینه صنایع دستی"، فصلنامه علمی- پژوهشی جامعه شناسی زنان. سال دوم. شماره سوم. صص ۳۸-۲۱.
۴. جاویدنیا، کوروش و جاویدنیا، مجتبی (۱۳۹۱)، " عوامل مؤثر بر گرایش زنان به مهارت‌آموزی در بخش مشاغل خانگی: مطالعه موردی در شهرستان گرمسار"، پژوهش در نظامهای آموزشی. صص ۱۴۵-۱۶۷.
۵. چرم زاده، مولود، فتوتی، هستی، برادران، مسعود. ۱۳۸۸. "فقر زدایی و توانمندسازی فقرا و گروه های محروم روستایی: رسالت عظیم ترویج کشاورزی". مجموعه مقالات اولین همایش ملی دانشجویی ترویج و آموزش کشاورزی. آذرماه. بخش ترویج آموزش کشاورزی دانشگاه شیراز. صفحه ۱۲-۱.
۶. چرمچیان‌لنگرودی، مهدی و علی‌بیگی، امیر حسین(۱۳۹۲)، بررسی عوامل موثر بر توانمندسازی روان‌شناختی زنان روستایی. فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه، سال چهارم، شماره یک، بهار صص ۱۶۵-۱۹۲.



۷. رضایی‌راد، مجتبی و عطار، نورا (1389) ، بررسی میزان تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای (فناوری اطلاعات) در اشتغال زنان مازندران. اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و نوآوری.
۸. رضایی‌راد، مجتبی و عطار، نورا (۱۳۸۹)، بررسی میزان تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای (فناوری اطلاعات) در اشتغال زنان مازندران. اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و نوآوری.
۹. زرافشانی، کیومرث، خالدی، خوشقدم، منصور، غنیان (۱۳۸۸) تبیین جایگاه مشارکت زنان روستایی در برنامه های آموزشی - ترویجی بر اساس نردبان مشارکت شری آرنستین، پژوهش زنان دوره ۷. شماره ۳. صص ۱۲۸-۱۰۷.
۱۰. سروش‌مهر، هما ، رفیعی، حامد، کلانتری، خلیل و شعبانعلی‌فمی، حسین (۱۳۸۸) بررسی پایگاه اقتصادی- اجتماعی زنان روستایی و عوامل موثر بر آن (مطالعه موردی: شهرستان همدان).
۱۱. سلطانی، محمود (۱۳۷۸)، زنان و ضرورت مشارکت آنان در حفظ محیط زیست و توسعه پایدار. فصلنامه علمی محیط زیست، ۲۹: ۹۱-۵۸.
۱۲. شادی‌طلب، ژ (۱۳۸۱)، توانمی اجتماعی زنان. پژوهش زنان. چاپ سال سوم. شماره ۷.
۱۳. شکوری، علی، رفعت‌جابه، مریم و جعفری، معصومه (۱۳۸۶)، مؤلفه‌های توانمندی زنان و تبیین عوامل مؤثر بر آنها. پژوهش زنان، ۵(۱) ۲۶-۱.
۱۴. صدیقی، حسن؛ کوروش، روستا (۱۳۸۲). بررسی عوامل تاثیرگذار بر دانش کشاورزی پایدار ذرت کاران نمونه استان فارس. مجله علوم کشاورزی ایران. جلد ۳۴، شماره ۴، سال ۱۳۸۲ (۹۱۳-۹۱۲۴).
۱۵. طالب، مهدی و عنبری، موسی (۱۳۸۷)، جامعه شناسی روستایی، ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران. تهران، دانشگاه تهران.
۱۶. طالب، مهدی؛ فیروز آبادی، سید احمد؛ پیری، صدیقه (۱۳۹۰)، مساله‌شناسی فقر از دیدگاه زنان و دختران روستایی مطالعه موردی روستای گنبد پیرمحمد از توابع شهرستان ملکشاهی استان ایلام. علوم اجتماعی، زن در توسعه و سیاست، تابستان ۱۳۹۰، شماره ۳۳: صص ۱۴۳-۱۲۵.
۱۷. طالبی، کامبیز، (۱۳۸۷)، "کارآفرینی راهبردی". تهران: دانشگاه تهران.
۱۸. عرب‌مازار، عباس و سعدی، حشمت‌اله (۱۳۸۴)، بررسی جایگاه بانک کشاورزی در حمایت از زنان سرپرست خانوار روستایی. فصل‌نامه پژوهشی بانک کشاورزی شماره سوم.
۱۹. علیائی، محمدصادق و دهقان نیستانی، مهدی (۱۳۹۱)، بررسی توانمندی‌های اقتصادی زنان قالیباف تکاب افشار و نقش آنان در توسعه روستایی، مطالعه موردی روستاهایی شهرستان تکاب (استان آذربایجان غربی)، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال پنجم/شماره اول/زمستان.
۲۰. عمادی، محمدحسین (۱۳۸۳)، تسریع روند توسعه روستایی از طریق اولویت‌بخشی به زنان و تحول در پژوهش، روستا و توسعه، ۲(۴): ۲۵-۱.
۲۱. قلی‌پور، آرین و رحیمیان، اشرف (۱۳۸۸) "رابطه عوامل اقتصادی، فرهنگی و آموزشی با توانمندسازی زنان سرپرست خانوار"، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۰، صص ۳۰-۶۲.
۲۲. کولایی، ی و طاهری، ی (۱۳۸۹)، تاثیر توانمندسازی زنان بر توسعه روستایی در ایران. مجله: پژوهش زنان. ۵(۱): ۱۵-۱. قابل دسترسی در:



۲۳. کتابی، محمود، یزدخواستی، بهجت و زهرا فرخی راستابی، (۱۳۸۲)، توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه، فصلنامه پژوهش

زنان، دوره ۱، سال ۳، شماره ۷، پاییز، ۵-۳۰.

۲۴. کرد، باقر و عابسی، سعید (۱۳۸۸) " شناسایی و تبیین مدل توانمندسازی کارکنان درسازمانهای دولتی ایران (مطالعه

موردی استان یزد)"، پژوهش‌های مدیریت، سال دوم، شماره سوم، بهار، صص ۷۵-۹۴.

۲۵. محمودی، وحید (۱۳۸۶)، اندازه‌گیری فقر و توزیع درآمد ایران، سمت.

1. Abraham, J. (2011). Measurement of social empowerment of farmers in SHGS: Evidence from India. *International NGO Journal*. 6(12): 255-261. [On line] Available on: <http://www.academicjournals.org/INGOJ>.
2. Akinsanmi, A. (2005). Working Under Constraint: Women, Poverty and Productivity. *Women and Environments International*, 66/67: 17-18.
3. Alsop, R., Frost. M. and Jeremy. B. (2005). Empowerment in practice from analysis to implementation. South Asia Environment and Social Unit. World Bank, Washington, DC.
4. Bhuiemail, A. and sampa, P. (2005), Development of Rural Women through Education and Empowerment. Delhi. Abhijeet Pub. 320.
5. Cheston, S. and Khun, L. (2002). Empowering women through microfinance. Daley-Harris San(ed). Bloomfield, Connecticut.
6. Fleming, P. C. (2000). Empowerment strengthens the rock. *Management Review*, PP: 34-36.
7. Lepphoto, H. M. (1995). Educating Women for Impoverment in Lesotho, Convergence (Toronto). (From Rural Development Abstracts, 1996, 19(2), Abstract No. 609). 28(3), 5-13.
8. Midgley J. 1995. Social Development: The Developmental Perspective in Social Welfare. London: Sage Publications.
9. Riahi, B. (2006). Human Empowerment: A task or a necessity. *Journal of Development and industry*. 27: 10-16. (Persian)
10. Rivera, W. M. and Coming, S. L. (1990). Empowering women through agricultural extension: A global perspective. *Journal of Extension*. 28 (4).
11. Roling, N. G. and Engel, P. G. H. (1999). The development of the concept of agricultural knowledge and information systems (AKIS): Implications for extension. Elsevier Science Publishers, Amsterdam.
12. Sharifzadeh A. & Habibpour K. (2004). Cooperative role in realizing the Declaration of the World Summit on Social Development. *Journal of Economic, Social Cooperatives*. N(11). (In Farsi)
13. UNDP (1994). The 20/20 Initiative: Achieving Universal Access to Basic Social Services for Sustainable Human Development. New York: UNICEF.
14. World Bank. (2009). *Gender in agriculture*. World Bank, Food and Agriculture Organization, and International Fund for Agricultural Development. World Bank 1818 H Street, NW Washington, DC.